

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دلگرمی در جامعه ایرانی

Investigation of psychometric properties of encouragement scale in Iranian society

حمید حقیقی^۱، سمیرا نادرزاده^{۲*}، ستار عابدینی^۳

Abstract

The character strength of encouragement, characterized by the ability and enjoyment of providing support and motivation to others, plays a crucial role in interpersonal dynamics. This study aimed to assess the psychometric properties of the Encouragement Scale (Wang & Shi, 2019) within an Iranian sample, examining its factor structure, reliability, and validity.

A convenience sample of 319 Iranian adults (both male and female) residing in Hormozgan province participated in this psychometric evaluation. They completed the Encouragement Scale, a self-report measure assessing individual tendencies to encourage others, and the Interpersonal Reactivity Index (IRI; Davis, 1983), a multidimensional measure of empathy, to assess convergent validity.

Exploratory factor analysis (EFA) yielded a two-factor structure comprising Enjoyment and Perceived Ability, accounting for 58.13% of the total variance. Confirmatory factor analysis (CFA) confirmed the two-factor model, demonstrating good fit indices. The split-half reliability coefficient was 0.60. Internal consistency, assessed using Cronbach's alpha, was 0.89 for the entire scale. Composite reliability was 0.91, and the average variance extracted (AVE) was 0.55, indicating strong convergent validity. A positive correlation of 0.26 was found between the total Encouragement Scale score and the total IRI score, further supporting convergent validity.

The Encouragement Scale demonstrates robust

چکیده

توانمندی شخصیت دلگرم‌کننده از دو جزء توانایی دلگرمی دادن و لذت بردن تشکیل شده است. به این معنا که افرادی که این توانمندی را دارند در دلگرمی دادن به دیگران خوب هستند و از انجام این کار لذت می‌برند. هدف از پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دلگرمی در جامعه ایرانی بود.

این پژوهش از نوع روان‌سنجی است و نمونه آماری آن شامل ۳۱۹ نفر زن و مرد ساکن در استان هرمزگان که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و مقیاس دلگرمی وانگ و شی (۲۰۱۹) و پرسش‌نامه همدلی دیویس (۱۹۸۳) را تکمیل کردند.

نتایج تحلیل عامل اکتشافی دو عامل لذت و توانایی ادراک‌شده را نشان داد که ۵۸/۱۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کردند. همچنین نتایج عامل تأییدی به‌منظور بررسی روایی سازه نشان داد که مدل دوعاملی مقیاس دلگرمی از برازندگی مطلوبی برخوردار است و کلیه شاخص‌های برازندگی نشان دادند که مدل اندازه‌گیری مقیاس دلگرمی در دامنه مطلوبی قرار داشتند. ضریب دو نیمه‌سازی برای همبستگی نیمه اول و دوم ۰/۶۰ به دست آمد. آلفای کرونباخ کل مقیاس دلگرمی ۰/۸۹ پایایی ترکیبی ۰/۹۱ و میانگین واریانس استخراج‌شده ۰/۵۵ به دست آمد که نشان‌دهنده روایی همگرایی خوبی برای کل مقیاس است. همچنین همبستگی بین نمره کل دلگرمی و نمره کل همدلی (پرسشنامه دیویس)

^۱ . دکتری مشاوره، مشاور اداره آموزش و پرورش ناحیه یک، بندرعباس، ایران.

^۲ . کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول) Naderzadehsamira@gmail.com

^۳ . کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

psychometric properties, including high reliability and validity, within the Iranian population. Its brevity, ease of administration, and sound psychometric characteristics make it a valuable instrument for researchers and practitioners in diverse fields, particularly within the Iranian context. The scale holds promise for future research exploring the impact of encouragement in various domains, including education, counseling psychology, and interpersonal relationships.

Keywords: Psychometrics, Factor Analysis, Encouragement, Perceived Ability

۰/۲۶ است. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی، پایایی و روایی مناسب این پرسش‌نامه، کوتاه بودن و سهولت اجرا، شرایط استفاده وسیع محققان را از این ابزار فراهم می‌آورد و در جامعه ایرانی می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی مورد استفاده قرار گیرد و زمینه پژوهش‌های متعددی را در حوزه تربیتی و روان‌شناسی مشاوره فراهم آورد. **واژه‌های کلیدی:** روان‌سنجی، تحلیل عاملی، دلگرمی، توانایی ادراک‌شده

مقدمه

از زمان شکل‌گیری نظام طبقه‌بندی فضایل و توانمندی‌ها^۱ در اوایل قرن ۲ میلادی، موضوع توانمندی‌های منشی^۲، یکی از مسائل مورد توجه و مهم در روان‌شناسی مثبت نگر بوده است (هاینز^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). در سال ۲۰۰۴ میلادی، پیترسون^۴ و سلیگمن^۵ به همراه تعداد زیادی از همکارانشان، یک راهنمای جامع برای طبقه‌بندی فضایل و توانمندی‌ها ارائه دادند. آن‌ها در این مجموعه، شش فضیلت کلی و جهان‌شمول فرزاندگی و خرد^۶ (خلاقیت، کنجکاوی، عشق به یادگیری، قضاوت، ژرف‌نگری)، شجاعت^۷ (سرزندگی، پایداری، روراستی و شور و اشتیاق)، انسانیت^۸ (هوش اجتماعی، مهربانی و عشق)، عدالت (کارگروهي، انصاف و رهبری)، میانه‌روی^۹ (خودگردانی، دوراندیشی، تواضع و فروتنی و بخشش و رحمت) و تعالی^{۱۰} (ستایش زیبایی و کمالات، قدردانی، امید، معنویت و شوخ‌طبعی) ارائه دادند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۹) و ۲۴ توانمندی منشی که در ذیل این فضایل قرار می‌گیرند را معرفی کردند. توانمندی‌های منشی، بخشی از هویت افراد هستند و زمانی که ابراز می‌شوند می‌توانند منجر به پیامدهای مثبت برای خود فرد و دیگران شوند (نیمک^{۱۱}، ۲۰۱۳). توانمندی‌های منشی، یکی از موضوعات اساسی رشد و تحول مثبت افراد هستند (پیترسون و پارک^{۱۲}، ۲۰۰۴؛ شک و همکاران، ۲۰۱۹).

دلگرمی^{۱۳} دادن در کل زندگی اجتماعی و محیط‌های حرفه‌ای مانند دفاتر مشاوره، مدارس و سازمان‌ها به کار می‌رود. وونگ^{۱۴} (۲۰۱۵) دلگرمی را این‌گونه توصیف می‌کند که تشویق کلامی^{۱۵} یا بازنمایی‌های نمادین برای القای شجاعت^{۱۶}، پشتکار^{۱۷}، اعتمادبه‌نفس، الهام‌بخشی^{۱۸} یا امید در فرد در موقعیت‌های چالش‌برانگیز یا بالفعل کردن یک توانایی بالقوه است. باین‌حال، دلگرمی

¹-The Classification of Character Strengths and Virtues

²-characteristic strength

³-Heintz

⁴- Peterson

⁵- Seligman

⁶-wisdom and knowledge

⁷-courage

⁸-humanity

⁹-temperance

¹⁰-transcendence

¹¹-Niemiec

¹²-Park

¹³-Encouragement

¹⁴ - Wong

¹⁵-the expression of affirmation through language

¹⁶-courage

¹⁷-perseverance

¹⁸-inspiration

دادن نه تنها کنشی در ارتباط بین فردی، بلکه نقطه قوت شخصیت است (پیترسون و پارک، ۲۰۰۴). ویژگی که جنبه‌های مثبت و ارزشمند عملکرد اجتماعی فرد را در برمی‌گیرد (مک‌گریث^۱ و والس^۲، ۲۰۲۱؛ پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴). در این راستا، دلگرمی دادن به‌عنوان تمایل به دیدن خود به‌عنوان فردی که در برقراری رابطه با دیگران برای ایجاد انگیزه در آن‌ها موفق است و از این کار لذت می‌برد تعریف می‌شود (وونگ^۳، ۲۰۱۵؛ وونگ و همکاران، ۲۰۱۹). به‌عبارت‌دیگر، علت این‌که برخی افراد در دلگرمی دادن بهتر از سایرین هستند و از انجام آن لذت می‌برند تفاوت‌های فردی‌شان در این توانمندی است.

باوجوداینکه دلگرمی دادن در طبقه‌بندی اصلی پیترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) قرار ندارد، اما بر اساس اصل چهارچوب تحقق ارزش‌ها در عمل هر هفت معیار این طبقه‌بندی را در برمی‌گیرد (پیترسون و پارک^۴، ۲۰۰۴). اگر دلگرمی دادن را به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی در نظر بگیریم، احتمالاً افراد در موقعیت‌ها و زمان‌هایی که این ویژگی را بروز می‌دهند درجه‌ای از ثبات را از خود نشان می‌دهند (معیار ۱؛ وونگ و همکاران، ۲۰۱۹).

تحقیقات نشان داده‌اند که دلگرمی دادن به‌طور مثبت با پیامدهای روان‌شناختی مطلوب، مانند خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان، پیشرفت و مشارکت تحصیلی و ارتباط با مدرسه مرتبط است (معیار ۲؛ مک‌گراث، والاس^۵، ۲۰۲۱؛ پیترسون، پارک، ۲۰۰۴؛ مو و همکاران^۶، ۲۰۲۱). با این حال، حتی اگر از دلگرمی دادن نتایج مثبتی حاصل نشود نیز ارزشمند است (معیار ۳). برای مثال، اغلب مردم وقتی در شرایط استرس‌زا از اطرافیان خود دلگرمی می‌گیرند حتی اگر موجب تسکین رنجشان نشود، باعث خرسندی‌شان می‌شوند (به‌عنوان مثال، هنگامی که عزیزی را از دست داده‌اند). علاوه بر این، باعث می‌شود انگیزه بگیرند (معیار ۴) در نتیجه، مؤسساتی برای آموزش این توانمندی به افراد به وجود آمده‌اند (مثلاً مؤسسه آلفرد آدلر^۷ (۲۰۲۰)؛ معیار ۵). از آنجایی که بسیاری از افراد، موفقیت خود را تا حدی مدیون دلگرمی‌هایی هستند که از دیگران دریافت کرده‌اند، شناسایی نمونه‌هایی از فضیلت‌های اخلاقی که نمایانگر دلگرمی دادن هستند دشوار نیست (معیار ۶) (به‌عنوان مثال، مکسول^۸، ۲۰۱۵). در نهایت، دلگرمی را نمی‌توان به هیچ‌یک از نقاط قوت شخصیت که در چهارچوب تحقق ارزش‌ها در عمل شرح داده شد (مثلاً، رهبری و مهربانی) تجزیه کرد (معیار ۷). از این رو می‌توان گفت که دلگرمی یک صفت شخصیتی نیست که نسبتاً پایدار باشد؛ بلکه دلگرمی از فضائل انسانی است که می‌توان از طریق آموزش به تقویت آن در افراد پرداخت (تانگ و همکاران^۹، ۲۰۲۱).

به دلیل تأکید بر چهار جنبه اصلی دلگرمی با سایر سازه‌های مرتبط متفاوت است: (الف) ارتباط حداقل یک فرد با فرد دیگر منحصرأ از طریق زبان. (ب) ارتباط حاوی یک پیام مثبت (تأیید) است. (ج) هدف از ارتباط، افزایش انگیزه دریافت‌کننده پیام است و (د) پیام برای کمک به دیگران برای حل‌وفصل یک موقعیت چالش‌برانگیز یا درک توانایی‌هایشان مخابره می‌شود. شرط لازم ارتباط مبتنی بر زبان، دلگرمی را از سایر سازه‌های مرتبط متمایز می‌کند - کمک به یک دوست برای رفع نیازهای عینی (مثلاً بردن فردی که بیمار است به بیمارستان) و همچنین افکار مثبت در مورد دیگران، دلگرمی دادن محسوب نمی‌شوند؛ زیرا هر دو لزوماً شامل ارتباط مبتنی بر زبان نیستند (وونگ، ۲۰۱۵). علاوه بر این، معیار ارتباط مثبت، دلگرمی را از سایر اشکال حمایت اجتماعی مبتنی بر زبان متمایز می‌کند. از این رو، گفتن «درکت می‌کنم» اگر با تأیید (مثلاً «قبولت دارم!») همراه نباشد دلگرمی دادن نیست. در نهایت، دلگرمی را می‌توان از مهربانی که سازه گسترده‌تری است و شامل انواع مختلف حمایت اجتماعی مانند همدلی، کمک‌های عینی و نشان دادن محبت با رفتار می‌شود را متمایز کرد (پیترسون و همکاران، ۲۰۰۴).

1- McGrath

2- Wallace

3- Wong

4- Park

5-McGrath, Wallace

6-Mu

7- Alfred Adler

8 - Maxwell

9- Tang et al

دلگرمی از چند جهت با حوزه روان‌شناسی مشاوره ارتباط دارد. از آغاز تا به امروز، تمرکز اصلی روان‌شناسی مشاوره بر نقاط قوت و توانمندی‌های انسان بوده است (سوپر^۱، ۱۹۹۵). به‌عنوان مثال، در نظرسنجی ملی اخیر روان‌شناسان مشاوره، توجه به نقاط قوت افراد بیشترین امتیاز را در بین ۱۰ ارزش اصلی روان‌شناسی مشاوره داشت (لیختنبرگ، هاتمن، گودییر^۲، ۲۰۱۸) دلگرمی دادن یک ارتباط بین فردی است که ارتباط نزدیکی با این ارزش اصلی روان‌شناسی مشاوره دارد؛ زیرا یکی از ابزارهای اصلی که از طریق آن روان‌شناسان مشاوره به دیگران کمک می‌کنند تا استعداد‌های بالقوه خود را شناسایی و شکوفا کنند، تأکید بر نقاط قوت و توانمندی‌های آن‌هاست و دلگرمی دادن در بسیاری از نقش‌هایی که آن‌ها ایفا می‌کنند؛ مانند روان‌درمانی، آموزش و نظارت نقش اساسی دارد (وونگ، ۲۰۱۵) به‌عنوان مثال، بسیاری از روان‌شناسان، مشاوران و سوپروایزرهایی که با استفاده از جملات تأکیدی سعی می‌کنند به مراجعین یا مشاوران تحت نظارتشان (ادواردز^۳، ۲۰۱۲) برای دستیابی به توانمندی کاملشان انگیزه بدهند، از رویکردهای مبتنی بر توانمندی در روان‌درمانی استقبال می‌کنند (ونگ، ۲۰۰۶). همچنین دلگرمی دادن از عوامل مشترک روان‌درمانی‌هاست؛ زیرا ارتباطی بین فردی است که از طریق آن درمانگران به تدریج امید را در مراجع خود به وجود می‌آورند. به‌عنوان مثال، بهترین پیش‌بینی کننده رضایت مراجعین از مشاوره کوتاه‌مدت، دلگرمی دادن درمانگران به آن‌ها برای اینکه باور داشته باشند که می‌توانند وضعیت خود را بهبود ببخشند بود (تالی^۴، ۱۹۹۲). علاوه بر این، روان‌شناسان مشاوره می‌توانند از دلگرمی دادن به‌عنوان مداخله‌ای برای کاهش تفاوت‌های تحصیلی در میان دانش‌آموزانی که پیش‌زمینه نادیده گرفته شدن و طرد داشته‌اند استفاده کنند. از آنجایی که این دانش‌آموزان معمولاً با تبعیض روبرو هستند ممکن است این پیام‌های مثبت باعث خنثی شدن پیام‌های مخرب در مورد توانمندی‌هایشان شود. در تأیید این نظر، دو مطالعه نشان دادند که پیام‌های دلگرم‌کننده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی آمریکایی آفریقایی‌تبار تأثیر مثبت بیشتری نسبت به دانش‌آموزان دبیرستانی آمریکایی سفیدپوست دارند (کوهن، استیل، راس^۵، ۱۹۹۹؛ یگر و همکاران، ۲۰۱۴).

اکثر تحقیقات موجود، بر دلگرمی به‌عنوان راهی برای برقراری رابطه دوجانبه یا تجربه دریافت دلگرمی تأکید داشتند (فیلدمن، کوبا^۶، ۲۰۱۵) به‌عنوان مثال، مطالعات نشان داده‌اند که وقتی دانش‌آموزان تشویق می‌شوند و به آن‌ها دلگرمی داده می‌شود خودکارآمدی و احساس تعلق بیشتری از خود نشان می‌دهند (گلaser، بینام^۷، ۲۰۰۹؛ درایکورس^۸، ۱۹۷۱). اگرچه، دلگرمی تنها ارتباط بین فردی یا تجربه دلگرمی گرفتن نیست و باید بر کسی که این عمل را انجام می‌دهد هم تمرکز داشته باشد (وونگ، ۲۰۱۵؛ وونگ و همکاران، ۲۰۱۹). اخیراً محققان پیشنهاد کرده‌اند که دلگرمی دادن را می‌توان به‌عنوان نقطه قوت شخصیت طبقه‌بندی کرد (وونگ و همکاران، ۲۰۱۹). توانمندی شخصیت دلگرم‌کننده از دو جزء تشکیل شده است که عبارت‌اند از «توانایی دلگرم کردن» و «لذت بردن»؛ یعنی افرادی که دارای میزان بالاتری از این توانمندی هستند از انجام این کار لذت می‌برند و در برقراری ارتباط دلگرم‌کننده با دیگران خوب هستند (وونگ، ۲۰۱۵). از آنجایی که انسان ذاتاً نیاز به تأیید و مشارکت با دیگران دارد این توانمندی ویژگی بسیار مهم و قابل توجهی است (درایکورس، ۱۹۷۱). به‌عنوان یک رفتار جامعه پسند، این نقطه قوت شخصیت به‌طور مثبتی با سایر ویژگی‌های جامعه پسند مانند مهربانی و قدردانی مرتبط است (وونگ، ۲۰۱۵). به‌علاوه، تحقیقات قبلی نشان داده‌اند که با بسیاری از نقاط قوت شخصیت مانند برون‌گرایی و توافق‌پذیری نیز مرتبط است (وونگ و همکاران، ۲۰۱۹). دلگرمی دادن به‌عنوان یک توانمندی شخصیت طبقه‌بندی می‌شود که نه تنها مزایایی برای گیرنده، بلکه برای شخصی که این کار را انجام می‌دهد دارد. به‌عنوان مثال، افرادی که این توانمندی را دارند توانایی ارتباط با رفتار فرازبانی جامعه خود را نیز دارند (وونگ و

1-Super

2-Lichtenberg, Hutman, Goodyear

3- Edwards

4- Talley

5- Cohen, Steele, Ross

6- Feldman, Kubota

7- Glaser, Bingham

8-Dreikurs

همکاران، ۲۰۱۹). علاوه بر این، از طریق تمرین دلگرمی دادن، افراد نگرش مثبتی نسبت به خود پیدا می‌کنند که در نهایت منجر به افزایش بهزیستی روانی آن‌ها می‌شود (وونگ، ۲۰۱۵؛ وونگ و همکاران، ۲۰۱۹). بر اساس تعریف دلگرمی، وانگ و همکاران (۲۰۱۹) مقیاس توانمندی شخصیت دلگرمی دهنده^۱ که این توانمندی را در افراد می‌سنجد تدوین کردند. این مقیاس از دو بعد فرعی که عبارت‌اند از توانایی «دلگرمی دادن» و «لذت بردن» تشکیل شده است. بدین معنا که فردی که توانایی دلگرم کردن دیگران را دارد (مثلاً می‌دانم چگونه به افراد کمک کنم تا بر بزرگ‌ترین ترس خود غلبه کنند) و درعین حال از انجام این کار لذت می‌برد (به‌عنوان مثال، «من از دلگرم کردن دیگران به هنگام مواجهه با ناملایمات لذت می‌برم»). هر یک از این ابعاد فرعی به‌صورت پتانسیل گرا (مثلاً امیدبخشی به دیگران برای دستیابی به حداکثر توانمندی‌های خود) یا چالش گرا (مثلاً تشویق دریافت‌کننده پیام برای غلبه بر ترس‌هایش) دسته‌بندی می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، فرد احساس می‌کند در دلگرم کردن دیگران به هنگام مواجهه با شرایط سخت یا زمانی که استعداد شکوفا نشده‌ای دارند مهارت دارد و از انجام این کار لذت می‌برد.

این مقیاس به دلیل استقبال اخیر از نقاط قوت و اهمیت دلگرمی دادن در بسیاری از نقش‌هایی که روان‌شناسان مشاوره به عهده‌دارند؛ مانند روان‌درمانی، آموزش و نظارت، حائز اهمیت است (وونگ و همکاران، ۲۰۱۹). مدل‌سازی دو‌عاملی شواهدی را برای یک عامل کلی و ثبات اندازه‌گیری بین نژاد و جنسیت ارائه می‌کند و شاخص‌های دو فاکتور فرعی نشان می‌دهند که مقیاس دلگرمی باید به‌عنوان یک مقیاس تک‌بعدی در نظر گرفته شود (وونگ و همکاران، ۲۰۱۹). اعتبار ملاکی^۲ مقیاس دلگرمی از طریق همبستگی مثبت با دل‌بستگی ایمن، زاینده‌گی، همدلی، مهربانی، خوش‌بینی، ارتباط اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی سازگاری و برون‌گرایی، بهزیستی روان‌شناختی و تمرکز بر نقاط قوت در روان‌درمانی نشان داده شده است (برای درمانگران) (وونگ و همکاران، ۲۰۱۹). روایی واگرا^۳، همبستگی کمی با مدیریت تأثیر^۴ و افزایش خودفربیی^۵ نشان داد. روایی افزایشی^۶، پس از کنترل سایر متغیرها، همبستگی مثبت و منحصربه‌فردی با بهزیستی روان‌شناختی و زاینده‌گی نشان داد. علاوه بر این، نمرات خود اظهاری مقیاس دلگرمی با ویژگی‌های مثبت پیام‌های نوشتاری دلگرم‌کننده و سایر نمرات گزارش شده مقیاس دلگرمی که از اعتبار همگرایی روش ناهمگون پشتیبانی می‌کند همبستگی داشت (وونگ و همکاران، ۲۰۱۹).

تائو وانگ^۷ در سال ۲۰۲۱ این مقیاس را در فرهنگ چین هنجار کرد و آن را روی نمونه دانشجویان انجام داد. در پژوهشی دیگر هایوتانگ^۸ (۲۰۲۲) نسخه هنجار شده در چین را بر روی نمونه دانشجویان مقطع کارشناسی و معلمان بررسی کرد و نتایج آن نشان داد که این مقیاس ابزار مناسبی برای مقایسه توانمندی شخصیت دلگرم‌کننده در بین دانشجویان مقطع کارشناسی و معلمان است.

تاکنون مطالعه‌ای بر روی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دلگرمی در فرهنگ ایرانی انجام نشده است. روا سازی مقیاس دلگرمی می‌تواند برای شناسایی این توانمندی در اقشار مختلف (مانند کارمندان، معلمان، دانشجویان) و اهداف مداخلاتی در ایران مورد استفاده قرار گیرد و همچنین به کاهش خلأ موجود در شواهد علمی و تجربی در مورد جهان‌شمول بودن پرسش‌نامه فعلی توانمندی شخصیت دلگرمی دهنده در سطح جهانی یاری رساند. برخلاف فرهنگ جوامع غربی که تأکید بر فردگرایی است و از آن حمایت می‌شود، فرهنگ شرقی برای جمع‌گرایی و وابستگی متقابل ارزش بیشتری قائل است (لو و گیل‌مور^۹، ۲۰۰۴). در فرهنگ

1-Encouragement Character Strength Scale

2-Criterion validity

3-Discriminant validity

4-impression management

5-self-deception

6-Incremental validity

7- Tao Wang

8 - Hui Tang

9- Lu & Gilmour

جمع‌گرا، دلگرمی دادن نقش بسیار حیاتی و ضروری دارد. آسیایی‌ها معتقدند که دلگرمی دادن باعث ایجاد استقامت و اراده بیشتر در افراد و این باور که تلاش منجر به پیروزی می‌شود (توید و کانوی^۱، ۲۰۰۶).

بررسی‌ها نشان می‌دهند که صرفاً ترجمه مدل‌های مبتنی بر روان‌شناسی جوامع غربی برای درک کامل روان‌شناسی انسان و به‌طور خاص مطالعات حوزه اخلاقی کافی نیستند و زمینه فرهنگی نقشی کلیدی در شکل دادن به پدیده‌های روان‌شناختی دارد و اعمال مستقیم مدل‌های مشتق شده از غرب ممکن است جزئیات و پیچیدگی‌های جوامع غیر غربی را به‌درستی منعکس نکند. این مسئله به‌ویژه در حوزه روان‌شناختی اخلاقی مهم است، جایی که ارزش‌ها، نرم‌ها و سنت‌های فرهنگی به‌شدت بر داورها، رفتارها و تکامل هویت اخلاقی تأثیر می‌گذارند. (عطاری، گراهام^۲ و دهقانی، ۲۰۲۰). بر اساس آنچه گفته شد پژوهش حاضر به دنبال بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دلگرمی به‌عنوان یکی از ابعاد توانمندی منشی، بر روی جامعه ایرانی است.

روش

نوع پژوهش

این پژوهش از نوع روان‌سنجی است که در زمره پژوهش‌های توصیفی قرار دارد.

آزمودنی‌ها

الف) جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل افراد ۱۸ تا ۶۰ سال شهروند ایرانی در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود.

ب) نمونه پژوهش

در مطالعه حاضر، نمونه پژوهش به روش در دسترس انتخاب شد. برخی از روان‌سنج‌ها معتقدند که تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی باید بر روی دو نمونه مجزا انجام شوند و حجم نمونه حداقل ۱۰۰ نفری را برای تحلیل عاملی توصیه کرده‌اند (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۰) و برخی از پژوهشگران نیز حداقل حجم نمونه برای تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی را ۲۰۰ نفر می‌دانند (کلاین^۳، ۲۰۱۵). از این رو در پژوهش حاضر تعداد ۳۱۹ نفر نمونه پژوهش را تشکیل دادند که به روش در دسترس انتخاب شدند. از این میان ۱۱۲ نفر مرد (۳۵/۱ درصد) و ۲۰۷ نفر زن (۶۴/۹ درصد) بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۴/۲۴ و انحراف استاندارد آن ۸/۲۳ بود.

ابزارهای پژوهش

۱. **مقیاس دلگرمی^۴ (ECSS)**: این مقیاس یک ابزار خودگزارش‌دهی است که توسط وانگ و شی (۲۰۱۹) ساخته شده است و از ۱۲ گویه با مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای (۱ = «کاملاً مخالفم»، ۶ = «کاملاً موافقم») تشکیل شده است که قدرت شخصیت دلگرم‌کننده را اندازه می‌گیرد و شامل دو جز توانایی ادراک شده و لذت بود. برای بررسی روایی سازه از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. مطالعه آن‌ها بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، نشان داده است که ساختار دوعاملی برای دانشجویان و بزرگسالان در ایالات متحده روایی سازه قابل‌قبولی دارد. شاخص‌های دو عامل فرعی نشان دادند که مقیاس دلگرمی یک مقیاس تک‌بعدی است و استفاده از نمره کلی مقیاس دلگرمی را پیشنهاد می‌دهد؛ ولی از نمره خرده مقیاس‌ها پشتیبانی نمی‌کند. با این حال، فراتر از احتمال ساختارهای سازمان‌یافته به‌صورت سلسله‌مراتبی (عوامل کلی و خاص)، علت دیگر ساختار چندبعدی روان‌سنجی این است که آیت‌ها به‌ندرت به‌عنوان شاخص خالص سازه‌هایی که قصد ارزیابی آن‌ها را دارند در نظر گرفته می‌شوند و می‌توانند با سازه‌های دیگر نیز مرتبط باشند (مورین، آرنس، مارش^۵، ۲۰۱۶)؛ بنابراین ونگ در سال ۲۰۲۱ با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری

¹-Tweed & Conway

²-Graham

³ - Kline

⁴ -The encouragement character strength scale

⁵ - Morin, Arens, Marsh

اکتشافی دوعاملی، ساختار عاملی مقیاس دلگرمی را در بین دانشجویان چینی بررسی کرد و نتایج از نمره کل و خرده مقیاس‌های مقیاس دلگرمی پشتیبانی کردند. پایایی به روشی باز آزمایی ۱۴ روزه انجام شد. همبستگی دومتغیره و میانگین همبستگی بین زمان ۱ و زمان ۲ به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۹۰ بود که نشان‌دهنده ثبات زمانی در یک بازه دوهفته‌ای است.

۲. **مقیاس همدلی^۱ (DEQ):** این مقیاس توسط دیویس، در سال ۱۹۸۳ طراحی شد، از ۲۱ گویه تشکیل شده است و میزان همدلی را در افراد موردبررسی و ارزیابی قرار داده است. مؤلفه‌ها عبارت است از: دغدغه همدلانه، دیدگاه گرایبی و آشفتنگی شخصی. نمره‌گذاری پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای بوده و از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف (۱ تا ۵) امتیازبندی شده است. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسش‌نامه مجموع امتیازهای تک‌تک سؤال‌ها باهم محاسبه می‌شوند. امتیازهای بالاتر، نشان‌دهنده همدلی بیشتر در فرد پاسخ‌دهنده و برعکس خواهد بود. چنانچه آزمودنی نمره بین ۲۱-۴۲ کسب نماید نشان‌دهنده میزان همدلی ضعیف خواهد بود. نمره بین ۶۳-۴۲ نشان‌دهنده همدلی متوسط و نمره بالاتر از ۶۳، میزان همدلی بالا را نشان خواهد داد. پایایی پرسش‌نامه با آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰ به دست آمده است (دیویس، ۱۹۸۳) در پژوهش صفاری نیا و ملک‌ان (۱۳۹۶) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

شیوه انجام پژوهش

به‌منظور ترجمه و آماده‌سازی پرسش‌نامه دلگرمی وانگ و شی (۲۰۱۹) این مقیاس توسط یک مترجم مسلط به زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شد. سپس ترجمه فارسی آن توسط فرد دیگری به انگلیسی برگردانده شد و مجدداً دو نسخه انگلیسی از نظر تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه شدند و اشکالات آن رفع شد. جهت بررسی روایی صوری، ترجمه نهایی توسط ۳ نفر از اساتید روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه هرمزگان بررسی شد این افراد درجه مفهوم بودن گویه‌ها و اینکه آیا پرسش‌نامه تمام جنبه‌های موضوع را در برمی‌گیرد و نیز شکل ظاهری پرسش‌نامه را موردبررسی قرار دادند. در ادامه با ۱۲ نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش مصاحبه شناختی به عمل آمد. مصاحبه شناختی به‌منظور بررسی فهم شرکت‌کنندگان در پژوهش از محتوای مقیاس دلگرمی انجام شد. پس از انجام مصاحبه شناختی^۲ اشکالاتی که منجر به عدم فهم شرکت‌کنندگان از محتوای پرسش‌نامه می‌شد رفع گردید.

اطلاعات پژوهش از طریق فضای آنلاین به دست آمدند و از پلتفرم‌های واتس‌آپ، ایتا، روبیکا، تلگرام، سروش و شاد استفاده شد. ملاک‌های ورود شامل دامنه سنی ۱۸ تا ۶۰ سال، داشتن سواد خواند و نوشتن و درک فهم محتوای پرسش‌نامه، رضایت آگاهانه برای پاسخگویی به سوالات پژوهش و شهروند ایران بودن بود که همه این ملاک‌ها از طریق خود اظهاری فرد حاصل شد. لذا برای این‌که ملاک‌های ورود رعایت شوند تلاش شد تا لینک پرسش‌نامه در گروه‌های درسی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویی و همچنین در بین گروه‌هایی که به‌منظور فعالیت‌های روان‌شناختی ایجاد شده‌اند مانند گروه‌های ارتقا دانش درزمینه‌ی فرزند پروری و سلامت روانی منتشر گردد تا همه‌ی ملاک‌های ورود به مطالعه حاصل گردند. در ادامه پیش از آن‌که فرد اقدام به پاسخگویی سوالات پژوهش کند توضیحات لازم در خصوص اهداف پژوهش ارائه شد و علاوه بر این برای ترغیب افراد برای شرکت در پژوهش بیان شد چنانچه فرد پرسش‌نامه را تکمیل کند می‌تواند در یک وبینار رایگان دو و نیم‌ساعته پیرامون تصمیم‌گیری و حل مسئله شرکت کند. در این پژوهش همچنین اخلاق حرفه‌ای در پژوهش به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که شرکت در این پژوهش هیچ‌گونه پیامد منفی را دربر نخواهد داشت، شرکت در پژوهش بانام مستعار خواهد بود، اصل رازداری رعایت خواهد شد و از نتایج فقط به برای مقاصد پژوهشی استفاده خواهد شد. درمجموع علاوه بر اصول مذکور این پژوهش به اصول بیانیه هلسینکی^۳ نیز وفادار بود. اطلاعات این پژوهش از آذر ۱۴۰۱ تا اردیبهشت ۱۴۰۲ جمع‌آوری شدند. درنهایت ۳۷۴ پرسش‌نامه دریافت شد. در این مرحله به‌منظور کنترل کیفیت پاسخ‌دهی شرکت‌کنندگان، هر پرسش‌نامه موردبررسی قرار گرفت و مشخص شد که ۲۳ پرسش‌نامه

^۱ -Davis empathy questionnaire

^۲ -Cognitive Interview

^۳ -Declaration of Helsinki

به‌صورت ناقص تکمیل شده بودند که از فرایند تحلیل خارج شدند. در ادامه به بررسی میانگین زمان پاسخ‌دهی شرکت‌کنندگان اقدام شد. میانگین پاسخ‌دهی به دو پرسش‌نامه در این پژوهش ۱۸ دقیقه و انحراف استاندارد آن ۴/۳۲ دقیقه بود. چنانچه شرکت‌کنندگان زمان پاسخ‌دهی آنان دو انحراف معیار پایین‌تر از میانگین بود از روند تحلیل خارج می‌شدند. از این میان ۲۱ نفر میانگین زمان پاسخ‌دهی آنان دو انحراف استاندارد پایین‌تر از میانگین بود از روند تحلیل کنار گذاشته شدند. علاوه بر این الگوی یکنواخت پاسخ‌دهی هم مورد بررسی قرار گرفت که ۱۱ نفر نیز به‌صورت یکنواخت به سؤالات پرسش‌نامه‌ها پاسخ داده بودند از فرایند تحلیل حذف شدند و در نهایت تعداد ۳۱۹ نفر که پرسش‌نامه‌ها را به‌صورت کامل تکمیل کرده بودند به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب و تحلیل‌های آماری آن‌ها انجام گرفت.

شیوه تحلیل داده‌ها

تحلیل یافته‌های پژوهش در دو بخش یافته‌های توصیفی و استنباطی انجام شد. در بخش توصیفی از درصد، فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. در بخش استنباطی نیز جهت بررسی پایایی ابزار با استفاده از نرم‌افزار آماري SPSS-24 و از روش همسانی درونی به شیوه آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی و برای بررسی روایی سازه ابزار از روش تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی با استفاده از نرم‌افزار AMOS-24 استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۱۲
	زن	۲۰۷
وضعیت تأهل	مجرد	۸۸
	متأهل	۲۲۵
	مطلقه	۶
	زیر ۲۰ سال	۲۰
سن	۲۱ تا ۳۰ سال	۸۴
	۳۱ تا ۴۰ سال	۱۴۶
	۴۱ تا ۵۰ سال	۶۲
	۵۱ تا ۶۰ سال	۷
	زیر دیپلم	۲
سطح تحصیلات	دیپلم	۲۶
	فوق دیپلم	۴۰
	کارشناسی	۱۵۷
	کارشناسی ارشد	۸۸
	دکتری	۶
	بیکار	۳۲
وضعیت شغلی	شاغل تمام‌وقت	۱۸۸
	خانه‌دار	۴۶
	شاغل نیمه‌وقت	۵۳

جدول ۱ مشخصات جمعیت شناختی نمونه پژوهش را نشان داده است. بر این اساس بیشترین درصد شرکت‌کنندگان را زنان ۶۴/۹ درصد و مردان ۳۵/۱ درصد از حجم نمونه را تشکیل می‌دادند. بیشترین درصد شرکت‌کنندگان در پژوهش را افراد متأهل ۷۰/۵ و افراد مجرد ۲۷/۶ درصد از حجم نمونه را تشکیل می‌دادند. از نظر سن افراد در دامنه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال بیشترین فراوانی را با ۴۵/۸ درصد، در مرتبه دوم افراد در دامنه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال با ۲۶/۳ درصد، در مرتبه سوم افراد در دامنه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال با ۱۹/۴ درصد، در مرتبه چهارم افراد در دامنه سنی زیر ۲۰ سال و در مرتبه پنجم افراد در دامنه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال قرار داشتند. از نظر تحصیلات بیشترین درصد را افراد با تحصیلات کارشناسی ۴۹/۲ درصد، در مرتبه دوم افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد ۲۷/۶ درصد، در مرتبه سوم افراد با تحصیلات فوق‌دیپلم ۱۲/۵ درصد و در مرتبه چهارم افراد با تحصیلات دکتری ۱/۹ درصد از حجم نمونه را تشکیل می‌دادند. از نظر وضعیت شغلی بیشترین درصد را افراد شاغل تمام‌وقت با ۵۸/۹ درصد، در مرتبه دوم افراد شاغل نیمه‌وقت ۱۶/۶ درصد و در مرتبه سوم افراد خانه‌دار ۱۴/۴ درصد و در مرتبه چهارم افراد بیکار ۱۰ درصد از حجم نمونه را تشکیل می‌دادند.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد ابعاد دلگرمی و همدلی

متغیرها	فراوانی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
توانایی ادراک‌شده	۳۱۹	۱۱	۳۶	۲۸/۰۳	۴/۷۱
لذت	۳۱۹	۱۱	۳۶	۳۱/۵۶	۴/۳۳
نمره کلی دلگرمی	۳۱۹	۲۶	۷۲	۵۹/۵۹	۸/۱۰
دغدغه همدلانه	۳۱۹	۱۱	۳۵	۲۷/۷۷	۴/۱۱
دیدگاه‌گرایی	۳۱۹	۹	۳۵	۲۵/۳۱	۳/۴۹
آشناختگی شخصی	۳۱۹	۷	۳۲	۲۰/۳۸	۵/۰۳
نمره کلی همدلی	۳۱۹	۴۹	۹۲	۷۳/۴۸	۷/۳۲

نتایج جدول ۲ شاخص‌های توصیفی از جمله فراوانی، حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف استاندارد ابعاد مقیاس دلگرمی و مقیاس همدلی را نشان داده است. بعد توانایی ادراک‌شده از ابعاد دلگرمی حداقل آن ۱۱، حداکثر آن ۳۶، میانگین ۲۸/۰۳ و انحراف استاندارد آن ۴/۷۱ به دست آمد. بعد لذت از ابعاد دلگرمی حداقل آن ۱۱، حداکثر آن ۳۶، میانگین ۳۱/۵۶ و انحراف استاندارد آن ۴/۳۳ به دست آمد. نمره کل مقیاس همدلی حداقل آن ۲۶، حداکثر آن ۷۲، میانگین ۵۹/۵۹ و انحراف استاندارد آن ۸/۱۰ به دست آمد.

بعد دغدغه همدلانه از ابعاد همدلی حداقل آن ۱۱، حداکثر آن ۳۵، میانگین ۲۷/۷۷ و انحراف استاندارد آن ۴/۱۱ به دست آمد. بعد دیدگاه‌گرایی حداقل آن ۹، حداکثر آن ۳۵، میانگین ۲۵/۳۱ و انحراف استاندارد آن ۳/۴۹ به دست آمد. بعد آشناختگی شخصی حداقل آن ۷، حداکثر آن ۳۲، میانگین ۲۰/۳۸ و انحراف استاندارد آن ۵/۰۳ به دست آمد و کل مقیاس همدلی حداقل آن ۴۹، حداکثر آن ۹۲، میانگین ۷۳/۴۸ و انحراف استاندارد آن ۷/۳۲ به دست آمد.

جدول ۳. نتایج شاخص‌های تحلیل عامل اکتشافی مقیاس دلگرمی

گویه ها	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	بارهای عاملی	
					عامل اول	عامل دوم
گویه ۱	۷۶/۴	۰/۹۹	-۱/۲۳	۱/۴۷	۰/۵۶	
گویه ۲	۴/۵۷	۱/۱۵	-۱/۱۲	۱/۲۰	۰/۷۶	
گویه ۳	۴/۴	۰/۹۸	-۰/۷۱	۰/۸۴	۰/۵۳	
گویه ۴	۷۷/۴	۱/۰۳	-۰/۹۵	۱/۱۲	۰/۷۲	
گویه ۵	۶۶/۴	۱/۱۰	-۰/۹۱	۱/۱۹	۰/۸۴	
گویه ۶	۶۰/۴	۱/۰۵	-۰/۶۱	۰/۲۵	۰/۷۵	
گویه ۷	۰۸/۵	۱/۰۲	-۱/۳۷	۱/۲۳	۰/۸۰	
گویه ۸	۹۶/۴	۱/۰۶	-۱/۶۷	۱/۴۴	۰/۶۶	
گویه ۹	۰۹/۵	۱/۰۸	-۱/۱۷	۱/۷۷	۰/۷۷	
گویه ۱۰	۳۹/۵	۰/۹۲	-۱/۶۱	۱/۴۷	۰/۷۶	
گویه ۱۱	۴۲/۵	۰/۸۷	-۱/۲۲	۱/۲۶	۰/۷۳	
گویه ۱۲	۶۰/۵	۰/۶۴	-۱/۶۷	۱/۶۲	۰/۶۳	
ارزش ویژه عوامل استخراج‌شده						
		۵/۵۲	۱/۴۵			
درصد واریانس تبیین شده						
		۴۶/۰۴	۱۲/۹۹			
درصد واریانس تجمعی						
		۴۶/۰۴	۵۸/۱۳			
KMO						
		۰/۸۹				
بارتلت						
		۱۷۱۳/۸۹				
df						
		۶۶				
p-value						
		۰/۰۱				

جدول شماره ۳ نتایج تحلیل عامل اکتشافی با روش تحلیل عوامل اصلی (چرخش کواریتماکس)^۱ را نشان داده است. استفاده از چرخش کواریتماکس منتج به ساختار ساده‌تر مدل خواهد شد که تفسیر عوامل استخراج‌شده را ساده‌تر خواهد کرد. این چرخش با حداقل رساندن تعداد متغیرهایی که بالاترین بار عاملی را بر روی عوامل دارند به روشن‌سازی روابط بین داده‌ها کمک خواهد کرد (هیر، ۲۰۱۱).

همه گویه‌های دارای بار عاملی بین ۰/۵۳ تا ۰/۸۵ داشتند که همگی در دامنه قابل قبولی قرار داشتند. نتیجه تحلیل عامل اکتشافی منجر به دو عامل شد که عامل اول دارای ارزش ویژه ۵/۵۲ و ۴۶/۰۴ درصد از واریانس کل را تبیین می‌نمود. عامل دوم ارزش ویژه ۱/۴۵ و ۱۲/۹۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌نمود. روی هم رفته این دو عامل ۵۸/۱۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کردند.

^۱ principles components (quartimax rotation)

^۲ - Hair et al

همچنین آزمون کفایت نمونه کیزر-میر-الکین (KMO) ۰/۸۹ و آزمون کرویت بارتلت با درجه آزادی ۶۶ و مقدار ۱۷۱۳/۸۹ در سطح آلفای کوچک‌تر $p < 0.01$ معنادار به دست آمدند که نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی است. در مجموع نتایج تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که مقیاس دلگرمی از اعتبار سازه مطلوبی برخوردار است.

جدول ۴. ضرایب آلفای کرونباخ و توصیف ابعاد مقیاس دلگرمی

ابعاد مقیاس دلگرمی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE	ضریب دو نیمه‌سازی (نیمه اول و دوم)
توانایی ادراک شده	۰/۸۳	۰/۸۵	۰/۶۳	
لذت	۰/۸۵	۰/۸۷	۰/۶۸	۰/۶۰
کل مقیاس دلگرمی	۰/۸۹	۰/۹۱		

برای محاسبه پایایی مقیاس دلگرمی از روش همسانی درونی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب و ضریب دو نیمه‌سازی (نیمه اول و نیمه دوم) بهره برده شد. نتایج نشان دادند که ضریب آلفای کرونباخ برای بعد توانایی ادراک شده ۰/۸۳، بعد لذت ۰/۸۵ و کل مقیاس دلگرمی ۰/۸۹ به دست آمد که در دامنه مطلوبی قرار داشتند. همچنین ضریب پایایی ترکیبی بعد توانایی ادراک شده ۰/۸۵، بعد لذت ۰/۸۷ و کل مقیاس دلگرمی ۰/۹۱ محاسبه شد. شاخص میانگین واریانس استخراج شده AVE برای بعد توانایی ادراک شده ۰/۵۹ و برای بعد لذت ۰/۶۳ محاسبه شد. همچنین ضریب همبستگی دو نیمه‌سازی که شامل شش سوال اول به عنوان نیمه اول و شش سوال دوم به عنوان نیمه دوم در نظر گرفته شدند برابر با ۰/۶۰ به دست آمد که در دامنه قابل قبولی قرار دارد. در مجموع نتایج بررسی پایایی نشان دادند که مقیاس دلگرمی از پایایی مطلوبی برخوردار است.

جدول ۵. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد مقیاس‌های دلگرمی و همدلی

درک توانایی	لذت	نمره کلی دلگرمی	کلی دغدغه همدلانه	دیدگاه گرای	آشفته‌گی شخصی	نمره کلی همدلی
توانایی ادراک شده	۱					
لذت	۰/۶۰**	۱				
نمره کلی دلگرمی	۰/۹۰**	۰/۸۸**	۱			
دغدغه همدلانه	۰/۳۰**	۰/۳۵**	۰/۳۶**	۱		
دیدگاه گرای	۰/۳۷**	۰/۳۶**	۰/۴۱**	۰/۲۷**	۱	
آشفته‌گی شخصی	-۰/۲۸**	-۰/۱۵*	-۰/۲۰**	۰/۰۶	-۰/۳۱**	۱
نمره کلی همدلی	۰/۲۰*	۰/۲۶**	۰/۲۶**	۰/۷۳**	۰/۴۱**	۰/۵۶**

$p < 0.01$ ** $p < 0.05$ * $n = 319$

به منظور بررسی اعتبار همگرا و واگرای مقیاس دلگرمی، ابتدا ضرایب همبستگی ابعاد مقیاس دلگرمی با یکدیگر محاسبه شد و سپس ضرایب همبستگی ابعاد آن با ابعاد مقیاس همدلی بررسی شد. نتایج نشان دادند همبستگی بین ابعاد مقیاس دلگرمی با یکدیگر در دامنه ۰/۶۰ تا ۰/۹۰ ($p < 0.01$) قرار دارد. این یافته نشان‌دهنده اعتبار همگرای مطلوب مقیاس دلگرمی است. علاوه بر این بررسی ضرایب همبستگی ابعاد مقیاس دلگرمی با ابعاد مثبت همدلی مانند دغدغه همدلانه و دیدگاه گرای نشان داد که این ابعاد دارای همبستگی مثبت و معناداری با ابعاد دلگرمی هستند. ضرایب به دست آمده در دامنه ۰/۲۰ تا ۰/۴۱، ($p < 0.01$)،

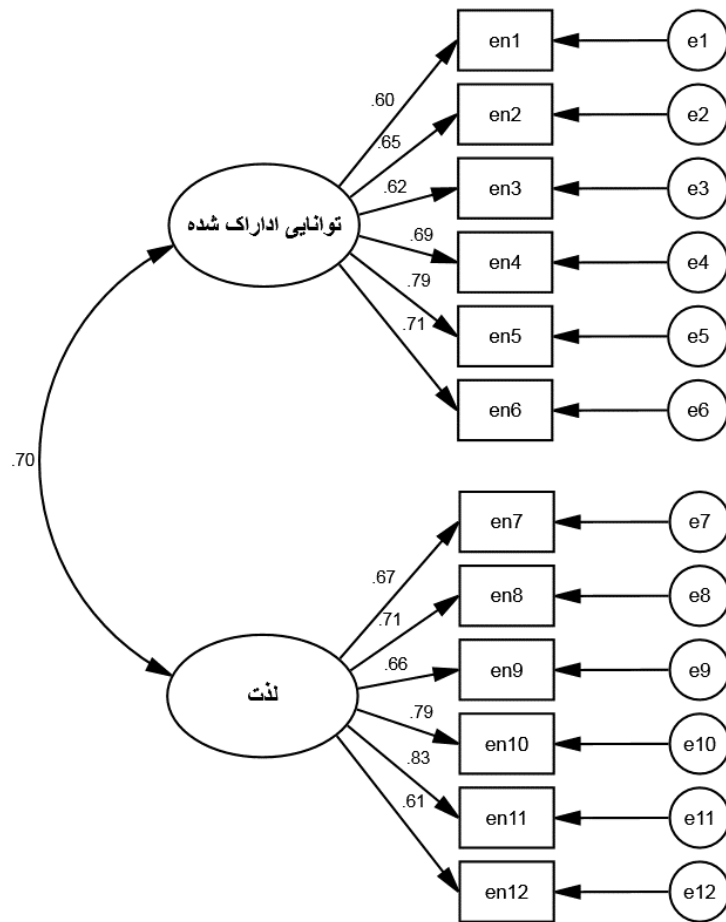
$p < 0.05$ قرار داشتند. این مسئله نشان‌دهنده روایی همگرای مقیاس دلگرمی است. از سوی دیگر ابعاد مقیاس دلگرمی با بعد آشفتگی شخصی مقیاس همدلی رابطه منفی و معناداری را بین -0.15 تا 0.28 ، ($p < 0.05$, $p < 0.01$) داشتند که این نشان‌دهنده اعتبار واگرای مقیاس دلگرمی است. روی هم‌رفته ماتریس همبستگی جدول ۵ نشان داد که مقیاس دلگرمی از اعتبار همگرا و واگرای مطلوبی برخوردار است.

جدول ۶. نتایج شاخص‌های تحلیل عامل تأییدی مقیاس دلگرمی

شاخص	مدل تک عاملی	مدل دو عاملی	مقدار قابل قبول (کلین ^۱ ، ۲۰۱۶)
RMSEA	۰/۱۴	۰/۰۶	کمتر از ۰/۰۸
SRMR	۰/۰۹	۰/۰۳	کمتر از ۰/۰۵
AGFI	۰/۸۳	۰/۹۱	بیشتر از ۰/۸۰
GFI	۰/۷۸	۰/۹۴	بیشتر از ۰/۹۰
CFI	۰/۷۹	۰/۹۶	بیشتر از ۰/۹۵
NFI	۰/۷۶	۰/۹۳	بیشتر از ۰/۹۰
IFI	۰/۷۹	۰/۹۶	بیشتر از ۰/۹۰
CMIN/DF	۷/۴۸	۲/۲۶	کمتر از ۳
CMIN	۴۰۴/۱۵	۱۱۳/۳۵	
df	۵۴	۵۰	
p value	۰/۰۱	۰/۰۱	

^۱ Kline

به‌منظور بررسی نیکویی برازش مدل به‌دست‌آمده از تحلیل عامل اکتشافی، با استفاده از نرم‌افزار آیموس به بررسی شاخص‌های ارزیابی برازش این عامل‌ها پرداخته شد. عامل اول (لذت) و عامل دوم (توانایی ادراک‌شده) است. علاوه بر مدل دوعاملی مرتبه اول مدل تک‌عاملی مرتبه اول نیز بررسی شد که در مجموع مقایسه نتایج این مدل نشان داد که مدل دوعاملی مرتبه اول از قابلیت‌های روان‌سنجی مطلوب‌تری برخوردار است. در ادامه به‌منظور بررسی روایی سازه، تحلیل دوعاملی استفاده شد. برای برآورد مدل از شاخص‌های مجذور خی دو CMIN شاخص نسبت مجذور خی دوجه آزادی CMIN/DF شاخص نیکویی بر ارزش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص برازش هنجارشده (NFI)، خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) و باقیمانده مجذور میانگین (RMR) استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، کلیه شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهد که مدل اندازه‌گیری پرسش‌نامه دلگرمی خیلی خوب در نتیجه، روایی سازه قابل‌قبولی دارد.



شکل ۱. مدل دوعاملی مرتبه اول، تحلیل عامل تأییدی مقیاس دلگرمی

جدول ۷. نتایج برآورد بارهای عاملی، تحلیل عامل تأییدی مقیاس دلگرمی

P	مقدار بحرانی t	خطای معیار	بارهای عاملی استاندارد	بارهای عاملی غیراستاندارد	گویه‌ها	ابعاد
			۰/۶۰	۱	گویه ۱	توانایی ادراک‌شده
۰/۰۱	۹/۰۳	۰/۱۳	۰/۶۵	۱/۲۵	گویه ۲	
۰/۰۱	۸/۷۸	۰/۱۱	۰/۶۲	۱/۰۲	گویه ۳	
۰/۰۱	۹/۴۴	۰/۱۲	۰/۶۹	۱/۱۹	گویه ۴	
۰/۰۱	۱۰/۱۷	۰/۱۴	۰/۷۹	۱/۴۶	گویه ۵	
۰/۰۱	۹/۴۳	۰/۱۳	۰/۷۱	۱/۲۶	گویه ۶	
			۰/۶۷	۱	گویه ۷	
۰/۰۱	۱۰/۷۱	۰/۱۰	۰/۷۱	۱/۱۰	گویه ۸	لذت
۰/۰۱	۱۳/۵۰	۰/۰۷	۰/۶۶	۱/۰۴	گویه ۹	
۰/۰۱	۱۲/۲۵	۰/۰۸	۰/۷۹	۱/۰۶	گویه ۱۰	
۰/۰۱	۱۲/۲۷	۰/۰۸	۰/۸۳	۱/۰۵۳	گویه ۱۱	
۰/۰۱	۹/۸۷	۰/۰۵	۰/۶۱	۹۰/۵۸	گویه ۱۲	

جدول ۷ نتایج بارهای عاملی استاندارد و غیراستاندارد گویه‌های مقیاس دلگرمی را نشان داده است. در بعد توانایی ادراک‌شده بارهای عاملی استانداردشده بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۱ قرار داشتند و مقادیر t برآورد شده کمتر از t بحرانی است و همه بارهای عاملی در سطح آلفای کوچک‌تر از ($p < 0.01$) معنادار بودند. در بعد لذت بارهای عاملی استانداردشده بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۳ قرار داشتند و مقادیر t برآورد شده کمتر از t بحرانی است و همه بارهای عاملی در سطح آلفای کوچک‌تر از ($p < 0.01$) معنادار بودند. این وضعیت نشان می‌دهد که بارهای عاملی گویه‌ها در دامنه قابل‌قبولی (مساوی یا بالاتر از ۰/۶۰) قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دلگرمی در جامعه ایرانی انجام شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، ساختار دوعاملی را برای این مقیاس آشکار کرد که شامل عوامل «توانایی ادراک‌شده» و «لذت» بود. این یافته‌ها با مفهوم‌سازی نظری دلگرمی به‌عنوان یک هیجان مثبت همخوانی دارد (فردریکسون، ۲۰۰۱). توانایی ادراک‌شده به احساس توانمندی و کارآمدی فرد در انجام فعالیت‌ها اشاره دارد، درحالی‌که لذت به احساس رضایت و شادی فرد از تجربیاتش اشاره دارد.

ساختار دوعاملی مقیاس دلگرمی در پژوهش‌های قبلی نیز تأییدشده است. برای مثال، لام^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در یک نمونه چینی، ساختار دوعاملی مشابهی را برای مقیاس دلگرمی گزارش کردند. یافته‌ها در مورد روایی همگرای مقیاس دلگرمی نشان داد که بین نمرات دلگرمی با نمرات سایر سازه‌های مثبت مانند بهزیستی روان‌شناختی (رایف^۲، ۱۹۸۹) و رضایت از زندگی (دینر^۳ و

¹ - Lam

² - Ryff

³ - Diener

همکاران، ۲۰۰۵) همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این یافته‌ها با پژوهش‌های قبلی که نشان داده‌اند دلگرمی با افزایش بهزیستی و رضایت از زندگی همراه است، همخوانی دارد (لیوبومیرسکی^۱ و همکاران، ۲۰۰۵؛ فردریکسون^۲، ۲۰۰۱).

همچنین، یافته‌ها در مورد روایی واگرایی مقیاس دلگرمی نشان داد که بین نمرات دلگرمی با نمرات سازه‌های منفی مانند افسردگی (بک^۳ و همکاران، ۱۹۹۶) و اضطراب (اسپیلبرگر^۴، ۱۹۸۳) همبستگی منفی و معنی‌داری وجود دارد. این یافته‌ها با پژوهش‌های قبلی که نشان داده‌اند دلگرمی با کاهش افسردگی و اضطراب همراه است، همخوانی دارد (فردریکسون و همکاران، ۲۰۰۰).

یافته‌ها در مورد اعتبار نمرات مقیاس دلگرمی نشان داد که اعتبار کل مقیاس و همچنین هماهنگی درونی خرده مقیاس‌های آن در حد قابل قبولی است. این یافته‌ها با پژوهش‌های قبلی که نشان داده‌اند مقیاس دلگرمی از پایایی خوبی برخوردار است، همخوانی دارد (واتسون^۵ و همکاران، ۱۹۸۸).

با توجه به نتایج پژوهش حاضر مقیاس دلگرمی قابلیت کاربرد در پژوهش‌های مرتبط را دارد و همچنین مطالعات بیشتری در این زمینه هم در ایران و هم در خارج از کشور لازم است. نتایج پژوهش حاضر در تأیید اعتبار و پایایی نسخه فارسی پرسش‌نامه با محدودیت‌هایی نیز روبرو بوده بر این اساس تدارک طرح‌های پژوهشی به‌منظور تکمیل فرایند اعتبار یابی نسخه فارسی پرسش‌نامه و تکرار پژوهش‌ها برای تأیید یافته‌های فعلی به‌عنوان یک ضرورت پیشنهاد می‌شود. مطالعات بیشتر با نمونه‌های متنوع برای افزایش میزان تعمیم نتایج به سایر جمعیت‌ها موردنیاز است. دوم، پیگیری مطالعات اعتبارسنجی سازه برای بررسی ارتباط بین مقیاس دلگرمی و رفتارهای تشویقی ضروری است. انجام چنین پژوهش‌هایی می‌تواند یافته‌های تازه‌ای را در زمینه ابزار فوق فراهم سازد تا امکان به‌کارگیری بیشتر را میسر سازد.

پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی از سازه‌های روان‌شناختی مشابه در هنگام ارزیابی اعتبار افزایشی مقیاس دلگرمی برای ایجاد بینش‌هایی در مورد تکرارپذیری یافته‌ها در نمونه‌هایی با ویژگی‌های جمعیتی متنوع استفاده شود. تحقیقات آتی می‌توانند مزایای تقویت شخصیت دلگرم‌کننده را برای فرد دلگرم‌کننده، بیشتر موردبررسی قرار دهند و مکانیسم‌هایی که منجر به این مزایا می‌شوند را بررسی کند. همچنین در مطالعات آتی، می‌توان به بررسی رابطه دلگرمی با سایر سازه‌های مرتبط مانند تاب‌آوری، امید و خودکارآمدی پرداخت. در مجموع، نتایج این پژوهش بیانگر این است که مقیاس دلگرمی از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی در جامعه ایرانی برخوردار است. این مقیاس می‌تواند به‌عنوان ابزاری معتبر برای ارزیابی دلگرمی در پژوهش‌ها و مداخلات روان‌شناختی مورد استفاده قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از تمام کسانی که در انجام این پژوهش با پژوهشگران همکاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌شود.

¹ - Lyubomirsky

² - Fredrickson

³ - Beck

⁴ - Spielberger

⁵ - Watson

منابع فارسی

- سهیلی صوفیانی محمدرضا، پیر خائفی علیرضا و محمدی اکبر. (۲۰۲۲). ویژگی‌های روان‌سنجی پروفایل بهزیستی پرما: ابزاری چند مؤلفه‌ای برای سنجش شکوفایی مؤلفه‌ای برای سنجش شکوفایی <https://www.sid.ir/paper/1045052/fa>
- یوسفی نورالله، پیر خائفی علیرضا و برجعلی احمد. (۲۰۲۱). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس فرم کوتاه سلامت روان کامل. <https://www.sid.ir/paper/1044110/fa>
- یوسفی نورالله، پیر خائفی علیرضا و برجعلی احمد. (۲۰۲۱). ویژگی‌های روان‌سنجی (پایایی و روایی) پرسشنامه ارزش‌های عملی. https://cpap.shahed.ac.ir/article_3137.html

References

- Alfred Adler Institute. (2020, May 20). *Encouragement in Action*. <https://adler.institute/encouragement-in-action/>
- Atari, M., Graham, J., & Deghani, M. (2020). Foundations of morality in Iran. *Evolution and Human Behavior*, 41(5), 367-384. <https://doi.org/10.1016/j.evolhumbehav.2020.03.003>
- Bartlett, M. S. (1950). Tests of significance in factor analysis. *British Journal of Psychology, Statistical Section*, 3(2), 77-85 .
- Beaton, D. E., Bombardier, C., Guillemin, F., & Ferraz, M. B. (2021). Guidelines for the process of cross-cultural adaptation of self-report measures. *Spine*, 46(2), 114-124. <https://doi.org/10.1097/BRS.0000000000003689>
- Beck, A. T., Steer, R. A., & Brown, G. K. (1996). *Beck Depression Inventory-II*. San Antonio, TX: Psychological Corporation.
- Cheung, F. M., & Cheung, S. F. (2019). *Cross-cultural psychology: An applied approach*. Sage Publications.
- Cohen, G. L., Steele, C. M., & Ross, L. D. (1999). The mentor's dilemma: Providing critical feedback across the racial divide. *Personality and social psychology bulletin*, 25(10), 1302-1318. <https://doi.org/10.1177/01461672992510006>
- Conway III, L. G., & Tweed, R. G. (2006). Fundamental beliefs and coping across cultures. In *Stress and coping: Multicultural & international perspectives** (pp. 20-411). New York: Kluwer Academic.
- Deghani, M., Graham, J., & Atari, M. (2020). Foundations of morality in Iran. *Evolution and Human Behavior*, 41(5), 367-384. <https://doi.org/10.1016/j.evolhumbehav.2020.03.003>
- Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985). The Satisfaction With Life Scale. *Journal of Personality Assessment*, 49(1), 71-75. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa4901_7
- Dreikurs, R. (1971). *Social equality: The challenge of today*. (No Title). <https://www.semanticscholar.org/paper/Social-Equality-the-Challenge-of-Today-Dreikurs/d9c2d638fa351616033529273a532714f876d363>
- Edwards, J. K. (2012). *Strengths-based supervision in clinical practice*. Sage Publications. <https://doi.org/10.4324/9781315708898>
- Emmons, R. A., & Mishra, A. (2011). Why gratitude enhances well-being: What we know, what we need to know. In *Designing positive psychology: Taking stock and moving forward* (pp. 248-262). <https://psycnet.apa.org/record/2010-25557-016>
- Feldman, D. B., & Kubota, M. (2015). Hope, self-efficacy, optimism, and academic achievement: Distinguishing constructs and levels of specificity in predicting college grade-point average. *Learning and Individual Differences*, 37, 210-216. <https://doi.org/10.1016/j.lindif.2014.10.004>
- Fredrickson, B. L. (2001). The role of positive emotions in positive psychology: The broaden-and-build theory of positive emotions. *American Psychologist*, 56(3), 218-226. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.56.3.218>
- Fredrickson, B. L. (2013). Positive emotions broaden and build. *Advances in experimental social psychology*, 47, 1-53. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-407234-6.00001-4>

- Fredrickson, B. L., Mancuso, R. A., Branigan, C., & Tugade, M. M. (2000). The undoing effect of positive emotions. *Journal of Motivation and Emotion*, 24(4), 237–258. <https://doi.org/10.1023/A:1004122016390>
- Gable, S. L., & Reis, H. T. (2011). Good tidings: Positive affect in marital interaction. *Emotion*, 11(2), 340–351. <https://doi.org/10.1037/a0022622>
- Glaser, H., & Bingham, S. (2009). Students' perceptions of their connectedness in the community college basic public speaking course. *Journal of the Scholarship of Teaching and Learning*, 57-69. <https://files.eric.ed.gov/fulltext/EJ854898.pdf>
- Hair, J. F. (2011). Multivariate data analysis: An overview. *International encyclopedia of statistical science*, 904-907 .
- Hair, J. F., Black, W. C., Babin, B. J., Anderson, R. E., & Tatham, R. L. (2019). *Multivariate data analysis*. 8th ed. Pearson Education Limited.
- Heintz, S., Kramm, C., & Ruch, W. (2019). A meta-analysis of gender differences in character strengths and age, nation, and measure as moderators. *The Journal of Positive Psychology*, 14(1), 103-112. <https://doi.org/10.1080/17439760.2017.1414297>
- Heine, S. J., & Hamamura, T. (2021). *Cultural psychology*. W. W. Norton & Company.
- Isen, A. M., Daubman, K. A., & Nowicki, G. P. (1987). Positive affect facilitates creative problem solving. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(6), 1122–1131. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.52.6.1122>
- Kaiser, H. F. (1974). An index of factorial simplicity. *Psychometrika*, 39(1), 31–36. <https://doi.org/10.1007/BF02291575>
- Kline, R. B. (2015). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. Guilford Publications .
- Kline, R. B. (2016). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling (4th ed.)*. Guilford Press .
- Kline, R. B. (2020). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford Publications .
- Lam, C. F., Van de Vijver, F. J. R., & Cheung, F. M. (2016). Indigenous psychology. In D. Matsumoto & F. J. R. Van de Vijver (Eds.), *Cross-cultural research methods in psychology* (pp. 227–250). Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9781316333703.010>
- Lichtenberg, J. W., Hutman, H., & Goodyear, R. K. (2018). Portrait of counseling psychology: Demographics, roles, activities, and values across three decades. *The Counseling Psychologist*, 46(1), 50-76. <https://doi.org/10.1177/0011000017714092>
- Lu, L., & Gilmour, R. (2004). Culture and conceptions of happiness: Individual oriented and social oriented SWB. *Journal of happiness studies*, 5, 269-291. <https://doi.org/10.1023/B:JOHS.0000034947.17654.21>
- Luthans, F., Youssef, C. M., & Avolio, B. J. (2007). *Psychological capital: Developing the human competitive edge*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780195326327.001.0001>
- Lyubomirsky, S., King, L., & Diener, E. (2005). The benefits of frequent positive affect: Does happiness lead to success? *Psychological Bulletin*, 131(6), 803–855. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.131.6.803>
- Lyubomirsky, S., Sheldon, K. M., & Schkade, D. (2005). Pursuing happiness: The architecture of sustainable change. *Review of general psychology*, 9(2), 111-131. <https://doi.org/10.1037/1089-2680.9.2.111>
- Maxwell, J. C. (2015). *Intentional living: Choosing a life that matters*. Hachette UK. <https://www.goodreads.com/book/show/26058930-intentional-living>
- McGrath, R. E., & Wallace, N. (2021). Cross-validation of the VIA inventory of strengths-revised and its short forms. *Journal of personality assessment*, 103(1), 120-131. <https://doi.org/10.1080/00223891.2020.1817152>
- McDonald, R. P. (2015). *Test theory: A unified treatment*. Psychology Press.
- Morin, A. J., Arens, A. K., & Marsh, H. W. (2016). A bifactor exploratory structural equation modeling framework for the identification of distinct sources of construct-relevant psychometric multidimensionality. *Structural Equation Modeling: A Multidisciplinary Journal*, 23(1), 116-139. <https://doi.org/10.1080/10705511.2015.1066360>
- Mu, W., Chen, Z., & Duan, W. (2021). An extended evaluation of Academic Encouragement Scale for adolescents. *Journal of Psychoeducational Assessment*, 39(3), 332-345. <https://doi.org/10.1177/0734282920977723>

- Niemiec, R. M. (2012). VIA character strengths: Research and practice (The first 10 years). In **Well-being and cultures: Perspectives from positive psychology** (pp. 11-29). Dordrecht: Springer Netherlands. https://doi.org/10.1007/978-94-007-4611-4_2
- Peterson, C., & Park, N. (2004). Classification and measurement of character strengths: Implications for practice. In **Positive psychology in practice** (pp. 433-446). <https://psycnet.apa.org/record/2004-21028-030>
- Peterson, C., & Seligman, M. E. (2004). *Character strengths and virtues: A handbook and classification* (Vol. 1). Oxford University Press. http://www.ldysinger.com/@books1/Peterson_Character_Strengths/character-strengths-and-virtues.pdf
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78(1), 68-78. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.78.1.68>
- Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(6), 1069-1081. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.57.6.1069>
- Schaufeli, W. B., Shimazu, A., Hakanen, J., Salanova, M., & De Witte, H. (2017). An ultra-short measure for work engagement. *European Journal of Psychological Assessment*. <https://doi.org/10.1027/1015-5759/a000430>
- Schumacher, J., Hoffmann, J., Schütz, C. E., & Dickhäuser, O. (2016). Elation and creativity: Exploring the role of positive affect in creative problem solving. *The Journal of Creative Behavior*, 50(2), 157-165. <https://doi.org/10.1002/jocb.213>
- Smith, G. T., Fischer, S., & Cyders, M. A. (2019). Best practices in scale development and validation for alcohol research. *Alcoholism: Clinical and Experimental Research*, 43(11), 2257-2269. <https://doi.org/10.1111/acer.13970>
- Sousa, V. D., & Rojjanasrirat, W. (2011). Translation, adaptation and validation of instruments in cross-cultural health care research: A systematic review. *Journal of Evaluation in Clinical Practice*, 17(2), 268-274. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2753.2010.01560.x>
- Spielberger, C. D., Gorsuch, R. L., Lushene, R. E., Vagg, P. R., & Jacobs, G. A. (1983). *Manual for the State-Trait Anxiety Inventory*. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- Super, D. E. (1955). Transition: from vocational guidance to counseling psychology. *Journal of Counseling Psychology*, 2(1), 3. <https://doi.org/10.1037/h0047656>
- Taber, K. S. (2018). The use of Cronbach's alpha when developing and reporting research instruments in science education. *Research in Science Education*, 48(6), 1273-1296. <https://doi.org/10.1007/s11165-017-9627-4>
- Tang, H., Huo, Z., Liu, C., Liu, Z., & Wong, Y. J. (2021). Psychometric Properties of the academic encouragement scale in Chinese University students. *Journal of Psychoeducational Assessment*, 39(2), 258-263. <https://doi.org/10.1177/0734282920966821>
- Tang, H., Huo, Z., Liu, C., Liu, Z., & Wong, Y. J. (2021). Psychometric Properties of the academic encouragement scale in Chinese University students. *Journal of Psychoeducational Assessment*, 39(2), 258-263. <https://doi.org/10.1177/0734282920966821>
- Tugade, M. M., & Fredrickson, B. L. (2004). Resilient individuals use positive emotions to bounce back from negative emotional experiences. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86(2), 320-333. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.86.2.320>
- Van de Vijver, F. J. R., & Leung, K. (2022). Cross-cultural research methods in psychology. *Annual Review of Psychology*, 73, 361-388. <https://doi.org/10.1146/annurev-psych-010421-111956>
- Wang, T., Zhang, T., Mu, W., & Li, X. (2021). Psychometric evaluation of the Encouragement Character Strength Scale in a Chinese sample. *Current Psychology*, 40, 4741-4749. <https://doi.org/10.1007/s12144-020-01144-6>
- Watson, D., Clark, L. A., & Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54(6), 1063-1070. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.54.6.1063>
- Wong, Y. J. (2006). Strength-Centered Therapy: A social constructionist, virtues-based psychotherapy. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*, 43(2), 133. <https://doi.org/10.1037/0033-3204.43.2.133>

- Wong, Y. J. (2015). The psychology of encouragement: Theory, research, and applications. *The Counseling Psychologist*, 43(2), 178-216. <https://doi.org/10.1177/0011000014545091>
- Wong, Y. J., Cheng, H. L., McDermott, R. C., Deng, K., & McCullough, K. M. (2019). I Believe in You! Measuring the experience of encouragement using the academic encouragement scale. *The Journal of Positive Psychology*, 14(6), 820-828. <https://doi.org/10.1080/17439760.2018.1528793>
- Yeager, D. S., Purdie-Vaughns, V., Garcia, J., Apfel, N., Brzustoski, P., Master, A., ... & Cohen, G. L. (2014). Breaking the cycle of mistrust: Wise interventions to provide critical feedback across the racial divide. *Journal of Experimental Psychology: General*, 143(2), 804. <https://doi.org/10.1037/xge0000020>
- Ziegler, M. (2014). Scale validation: Best practices and emerging challenges. *European Journal of Social Psychology*, 44(3), 381-384. <https://doi.org/10.1002/ejsp.2041>